



ده‌ده‌ده همیشه‌گی رهبر انقلاب

لازمه «پایین خیابان» مشهد تا حسینیه امام خمینی (عج)

باید به قرآن مراجعه کنیم

سراسر زندگی فردی و اجتماعی او (چه آن زمان که در قامت طلبه‌های انقلابی در جریان نهضت امام خمینی (عج) فعالیت می‌کرد، و چه بعد از انقلاب در کسوت نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری و رهبر جامعه‌ی اسلامی) مشهود است به‌طوری که شاید کمتر سخنرانی بتوان از او یافت که در آن آیه‌ای از قرآن، یا رجاعی به آن وجود نداشته باشد.

چرا ده‌ده‌گی همیشه‌گی «سیدعلی خامنه‌ای» در طول دوران حیاتش، توجه جامعه به ارتباط با قرآن و نزدیکی هر چه بیشتر به آن بوده است؟ یکی از دلایل آن، بی‌تردید «مهمجوریت معارف قرآنی» در زندگی روزمره‌ی مسلمان‌ها است. می‌دانیم که در آموزه‌های دینی تأکید زیادی بر انس با قرآن شده است. این مؤنست اما جهت و هدفی دارد و آن، فهم صحیح قرآن، و نهایتاً «فتاری قرآنی» است. مع‌الاسف امام‌مهمجوریت قرآن نه تنها در جامعه، که حتی به نوعی به حوزه‌های علمیه و برخی عالمان دینی هم سرایت کرده است. (۲)

چند سال بیشتر از عمر «سید علی» نمی‌گذشت که اولین کلاس قرآنش را خانه، و پای درس نکته‌های قرآنی مادرش آغاز کرد: «زادگاه مادرم نجف است! ایشان لهجه‌ی عربی داشت. در کودکی، با لهجه‌ی عربی نجفی حرف می‌زده است. با قرآن آشنا بود. قرآن را خوب و با صدایی جالب تلاوت می‌کرد. بر قرائت کلام الله مجید با قرآن اهدائی پدرش مداومت روزانه داشت. شیوه‌ی قرائت ایشان، ما را در آن کم سن و سالی به خود جذب می‌کرد. پیرامونش گرد می‌آمدیم و به تلاوتش گوش می‌کردیم. ایشان هم از فرصت استفاده می‌کرد، معانی برخی آیات را برای ما به فارسی ترجمه می‌کرد و داستان‌های پیامبران را بر ایمان بازمی‌گفت.»



آن چنین نوشته بود: «۱۲ سالگی، کلاس ششم ابتدایی... روز جمعه پس از پایان جلسه‌ی قرائت قرآن که استاد آن من بودم و قراء آن، شاگردان مدرسه‌ای که من دانش‌آموز آن بودم...»

● مؤنست همیشه‌گی با قرآن

مؤنست سیدعلی با قرآن همین‌طور ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۴۳ (۲۵ سالگی) اولین کلاس رسمی تفسیر قرآن او، در بین اهالی محله‌ی معروف به «پایین خیابان» مشهد کلید خورد و از آن روز تا به حال، این مؤنست و همنشینی و بهره‌گیری از معارف ناب قرآنی، در

بعدتر سید علی، وقتی وارد مدرسه شد، به خاطر صدا و لحن دلنشینش، شد قاری قرآن مدرسه. برای همین پدرش، «آقا سید جواد»، برای آشنایی بیشتر با قرآن و یادگیری تجوید، از حاج رمضان بنکدار خواست به او و برادرش آموزش دهد. بعد از او نیز، ملاعباس که بزرگ‌ترین استاد قرائت قرآن مشهد بود، آموزش را برای آن دو ادامه داد و سیدعلی تمام قواعد تجوید را از او فرا گرفت. چند سال بعد، در سن دوازده سالگی، حالا دیگر سید علی خودش شده بود استاد کلاس قرآن. عکسی از آن دوران موجود است که سید علی در پشت

درس اخلاق | ۴۰

این آدم پیش خدای متعال سعادت‌مند نیست

خاطرات رهبری | ۲۰

يك افطاری خوشمزه در زندان!

عکس نوشت | ۴۰

جلسات قرآنی خانگی را ترویج کنید

شهیدی که خستگی را خسته کرده بود | این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید شیخ مهدی شاه‌آبادی

شهید شاه‌آبادی یکی از افتخارات روحانیت مبارز ما بود. یک انسان پاکباز، با اخلاص، فداکار، کاری‌ونستوه و خستگی‌ناپذیر و خوش‌رو و خیرخواه. من به خوش‌رویی این انسان کم آدم دیدم یا آن سوابقی که در مبارزه داشت که بنده از سال چهل و دو و چهل و سه یادم است که این شهید عزیز در مبارزات بود... او یک انسان مبارز، فعال، فداکار، علاقه‌مند و سخت‌کوش بود که هرگز از کار خسته نشد و اما بعد از آنی که انقلاب پیروز شد، این انسان گوئی که برایش خواب و استراحت و راحتی معنی ندارد. یک انسان نمونه و استثنائی بود. یکبار من یادم نمی‌آید در طول این دوستی چندین ساله‌ای که با این شهید عزیز داشتیم که ببینم از کار خسته شده. آثار کسالت و انزجار از کار را من هرگز در چهره‌ی این مرد عزیز و بزرگوار ندیدم. ● ۶۳/۳/۱۸



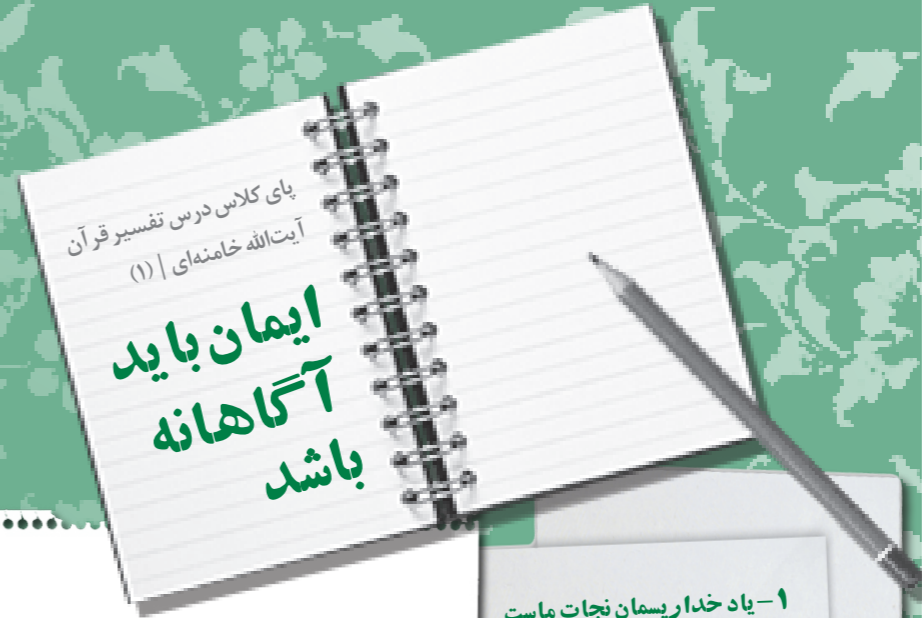
يك افطاری خوشمزه در زندان!



ماه مبارک رمضان ۱۳۹۰ (قمری) در زندان از راه رسید. دهم آبان، اول ماه مبارک بود... با فرا رسیدن این ماه، دلم غرق شادی شد؛ چون از کودکی این ماه را دوست می‌داشتم. در این ماه، چه‌رهی زندگی روزمره دگرگون می‌شود و انسان روزه‌دار لذت معنوی خاصی را احساس می‌کند. نخستین روز ماه رمضان سپری شد، هنگام افطار فرا رسید، اما چیزی برای من نیاوردند. نماز را خواندم و به سبیر در عالم خاطرات این ماه - بویژه خاطرات ساعت افطار و شادمانی روزه‌داران در هنگام افطار - پرداختم. آن لحظات شادی آور و فرح‌افزای سر سفره‌ی افطار در کنار خانواده، با سماوری که در برابر ما می‌جوشید، در خاطرم گذشت. همچنین آن خوردنی‌های اندک و سبک مخصوص افطار را به یاد آوردم؛ بویژه «ماقوت» را - غذای معروف مشهدی‌ها که ظاهر مختص خود آنهاست - به یاد آوردم؛ که از هر غذایی برای افطار، آن را بیشتر دوست می‌داشتم. این «ماقوت» از آب و نشاسته و شکر تهیه می‌شود و به شیوه‌ی خاصی آن را می‌پزند. همسر من نیز در پختن آن، همانند پختن سایر غذاها، بخوبی وارد است. ناگهان به خود باز آمدم و از خداوند مغفرت طلبیدم. شاید این گرسنگی بود که خاطرات یاد شده را در ذهنم برانگیخت. شاید هم علت، تنهایی بود. به هر حال باید صبر کرد. نیم ساعت پس از مغرب، یک فنجان چای به دست آوردم. مدتی بعد شام آوردند، که به خاطر نامرغوبی، دل بدان رغبت نمی‌کرد. اما قدری از آن را خوردم و بقیه را برای سحری گذاشتم. در سحر هم مابقی آن را با اکراه خوردم، زیرا این غذا از اصل نامطبوع بود و بعد از ماندن شدن نیز نامطبوع‌تر شده بود. نخستین روز بر این منوال گذشت.

روز دهم، نگهبان اطلاع داد که چیزی برای شما فرستاده شده. آن را گرفتم و باز کردم، دیدم انواع غذاهایی که در افطار به آنها میل دارم، در چند بشقاب برایم فرستاده شده است. این غذاها برای چند نفر کافی بود. همسر من آن آماده ساخته بود و توانسته بود به زندان برساند. همچنین در همان روز، از منزل برایم وسایل تهیه و صرف چای آوردند. لذا افطاری خوشمزه و مطبوعی بود که به قدر کفایت از آن برداشتم و باقی را برای زندانیان فرستادم. این کار هر روز تکرار شد. منبع: خون دلی که لعل شد

ایمان باید آگاهانه باشد



۱- یاد خدا ریسمان نجات ماست

یک آیهای است، خیلی عجیب است در قرآن، در زمینه‌ی تذکر پیدا کردن؛ «لَنْ الَّذِينَ اتَّقُوا»، این هم برای با تقواها است اتفاقاً، «لَنْ الَّذِينَ اتَّقُوا اِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا»، وقتی یک گروهی شیطان و شیطان صفت او را احاطه می‌کنند تا گمراه کنند، تا از راه به در ببرند، تا او را به فراموشی بیندازند، «تَذَكَّرُوا لِلَّهِ» فوراً به یاد خدا بیفتد انسان. یاد خدا یک چنین چیزی است. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان‌ها، یاد خدا ریسمانی است در اختیار ما، برای نجات از ورطه‌ای که دشمنان هوشیاری ما، در برابر ما به وجود آورده‌اند.

یکی از آثار ماندگار رهبر انقلاب در ساحت معرفت و اندیشه، مجموعه‌ی سخنرانی‌های روزانه‌ی ایشان، در مسجد امام حسن (عج) مشهد در سال ۱۳۵۳ است که با نام «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» منبعی استثنایی برای جویندگان معارف قرآنی است. نشریه‌ی خط حزب‌الله در ماه مبارک رمضان مسرور و مختصر و کوتاهی دارد بر برخی واژگان و مفاهیم مهم مطرح شده در این جلسات. در این شماره از نشریه، دو موضوع «تقوا» و «ایمان» مرور شده است.

۲- عالم اسلامی رهبانیت ندارد

قرآن می‌فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ»، رهبانیتی که آنان از خود در آوردند، به صورت بدعتی آن را ایجاد کردند؛ ما بر آنان رهبانیت را ننوشتیم بودیم. اما عالم اسلامی رهبانیت ندارد، گوشه‌گیری ندارد، فرار ندارد. عالم اسلامی همانی است که سعی می‌کند که بگیرد غریق را، یک فرد آگاه مسلمان، هر انسان مسلمان - که مسلمان بودن و مسئول بودن با یکدیگر لازم و ملزوم هستند - همین جور است؛ سعی می‌کند غریق را، و بازده را، بیمار را، نجات بدهد؛ اینکه با فرار جور در نمی‌آید. خودش را متقی می‌کند، دارای تقوا؛ یعنی آن تجهیز لازم را، آن زره لازم را، در مقابل آسیب گناه بر تن می‌پوشد و وارد منطقه‌ی گناه می‌شود، برای دستگیری گناهکاران؛ خلاصه، تقوا این است.

۳- تقوا وسیله پیروزی است

تقوا وسیله‌ی پیروزی است. آن کسی که می‌خواهد بر این بیماری، در این منطقه پیروز بشود، اگر همواره بترسد که نیباد این میکروب در جسم او اثر بگذارد، این چطور می‌تواند میکروب‌زده‌ها و ویازده‌ها را نجات بدهد؟ باید خودش را خاطر جمع کرده باشد؛ باید از خودش خاطر جمع باشد، بعد وارد منطقه‌ی ویازده بشود و دیگران را نجات بدهد؛ آن وقت است که به پیروزی هم خواهد رسید. آن وقت است این کار هم به راحتی انجام خواهد داد. «وَاتَّقُوا اللَّهَ»، تقوای خدا پیشه کنید، «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»، مگر پیروز مند و رستگار و موفق گردید.

۱- ایمان همراه با اطاعت است

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، آن کسی که امروز منکر خداست، عملش با عمل آن کسانی که مدعی خدایند چه تفاوتی دارد؟ هر دو ظلم می‌کنند. هر دو برای این چند صباح زندگی، چند شدند. هر دو برای این چند صباح خوردن روز دیگر بیشتر نفس زدن و دو لقمه‌ای خوردن و فضا را متعفن کردن، برای دو صباح بیشتر راحت زیستن، حاضرند همه‌ی فضیلت‌ها را زیر پا بگذارند. منتها این یکی صاف می‌گوید من به خدا معتقد نیستم، آن دیگری مدعی است که به خدا معتقد است. این چه جور ایمانی است؟ آیه‌ی قرآن در اینجا صریح است. اینجا دیگر حساب استدلال‌های عقلی نیست که شبیه بردارد؛ باید این کارها را انجام بدهید، اگر مؤمنید. و یکی از این کارها، «أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» خدا و پیامبر را اطاعت کنید، دنبال فرمان آنها راه بیفتید.

۲- ایمان باید آگاهانه باشد

آن ایمانی که فلان مرد مسلمان دارد، برای نگه داشتنش باید بگوییم روزنامه نخواند، فلان کتاب را نخواند، در کوچه بازار راه نرود، با فلان کس حرف نزند، سر ما و گرما نخورد، آفتاب و مهتاب نبیند، تا بماند؛ این ایمان متأسفانه نخواهد ماند. ایمانی لازم است که آنچنان آگاهانه انتخاب شده باشد که در سخت‌ترین شرایط هم آن ایمان از او گرفته نشود. «لَا مَن أَكْرَهُ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ». درباره‌ی عمار یاسر، آیه‌ی قرآن می‌گوید: اگر در زیر شکنجه، برای خاطر آنکه دشمن را از خود لحظه‌ای منصرف کنی، یک جمله گفتی، بگو، ایمان تو ایمانی نیست که با شکنجه از قلبت زائل بشود. آن ایمانی که ختّاب بن اُرت دارد، آهن را داغ می‌کنند به گردنش می‌چسبانند، شوخی نیست، آهن گذاخته را به بدنش نزدیک می‌کردند و به پوست بدنش می‌چسباندند، این به خاطر آن ایمان آگاهانه‌ی عمیقش، دست بر نمی‌داشت، ایمان این است.

ایمان

۳- چنین ایمانی در اسلام مطلوب است

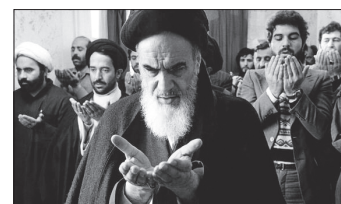
این کسانی که فهمیده اند که در این جهان به بیهوده نیامده‌اند و این جهان به بیهوده آفریده نشده است، ادامه‌ی سخن می‌دهند می‌گویند «رتنا» ای پروردگار ما «أَتَنَا سَمِعْنَا» ما شنیدیم و فهمیدیم، با گوش تن و با گوش دل، «مُنَادِيًا» منادی و غریبه‌ی را که «یُنَادِي لِلْإِيمَانِ» برای ایمان ندا می‌کرد، صلا‌ی ایمان می‌داد، «لَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ» می‌گفت به پروردگار تان ایمان بیاورید، «فَأَمَّا» آن وقت ما ایمان آوردیم. چه جور ایمانی آوردند اینها؟ یک نفر گفته ایمان بیاورید، ایمان آوردند؟ نه؛ اینها همان اولی‌الالبابند، همان متفکرانند. این منادی ممکن است به ظاهر پیغمبری باشد، اما در باطن، پیامبر عقل و تفکر و بینش آنهاست که آنها را به سوی ایمان خدا فرامی‌خواند و دعوت می‌کند. پس منادی به آنها گفته ایمان بیاورید، آنها از روی بینش، از روی درک، از روی شعور و آگاهی کامل ایمان آوردند. این جور ایمانی در اسلام مطلوب است: ایمان آگاهانه.

موضوعی که رهبر انقلاب در جلسات تفسیر قرآن مسجد امام حسن (عج) در سال ۵۳، به آن اشاره کرده و نسبت به آن چنین گلايه می‌کنند: «وای به حال آنهایی که مردم را از قرآن دور می‌کنند، از قرآن می‌مانند، به پنهان‌ها و معاذیر گوناگون، نمی‌گذارند مردم قرآن را باز کنند به قصد فهمیدن، وای به حالشان! و شما بدانید برادران و خواهران، که امروز سر و کار ما با قرآن است. همانطوری که پیغمبر خدا فرموده است: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَیْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَّیْكُمْ بِالْقُرْآنِ» آن روزی که فتنه‌ها مثل پاره‌های شب سیاه بر زندگی شما سایه بیفکنند، بر شما باد به قرآن. کی است آن روز؟ فتنه‌های تاریک مثل شب تاریک بینیم؟ راه‌های عوضی را در مقابل چشم‌های نابینا و نزدیک بینمان مشاهده نمی‌کنیم؟ دزدان و غول‌ها و راهزن‌ها را از هر سو بی و به هر شکلی، چشم بینا نمی‌بیند؟ پس کی باید به قرآن رجوع کرد؟ برای کی است؟ برای وقتی که امام زمان (عج) بیاید؟ او که خودش قرآن ناطق است؛ امروز روزی است که به قرآن مراجعه بایمکنیم.»

سه خصوصیت مهم بحث‌های فکری اسلامی

دلیل دیگر این دغدغه‌ی همیشگی رهبر انقلاب را نیز شاید بتوان در سه خصوصیت مهمی که ایشان در بحث‌های فکری اسلامی، ضرورتی تخلص‌ناپذیر از سوی متفکران آگاه ذکر می‌کند و در مقدمه‌ی کتاب «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن» نیز به آن اشاره می‌کند فهمید: یکی از آنها اینکه در فهم اصول اسلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد نه سلیقه‌ها و نظرهای شخصی و اندوخته‌های ذهنی و... ایشان سپس قرآن را کامل‌ترین و موثق‌ترین سند قابل اتکا برای فهم اصول دینی معرفی می‌کنند. این ویژگی در کنار دو ویژگی ضروری دیگر یعنی (۱) خروج معارف از تجرد و ذهنیت محض، و ناظر به تکالیف عملی و به‌ویژه زندگی اجتماعی بودن، و (۲) ملاحظه‌ی مسائل فکری اسلامی به‌صورت پیوسته و اجزای یک واحد، موضوعاتی است که موجب می‌شود نیاز جامعه‌ی اسلامی و مسئولان و حاکمان آن به قرآن، به‌صورت مستمر وجود داشته‌باشد.

به همین علت، آیت‌الله خامنه‌ای حتی در دوران رهبری، و با همه‌ی مشغله‌ها و کارهای عدیده‌ای که دارند، باز هم اهتمام به قرآن در رفتار فردی و اجتماعی ایشان مشهود است. از قرائت روزانه و مداوم قرآن، تا حفظ کردن آن، تا جلسات تفسیر قرآن که در دوره‌ی ریاست جمهوری و اوایل رهبری وجود داشت، تا دیدار ثابت با قاریان و حافظان قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان، و از همه‌ی آنها مهم‌تر، استفاده‌ی از معارف و اصول قرآنی در تحلیل رویدادهای داخلی و بین‌المللی، و اتخاذ مواضع بر اساس آن، همه و همه، جلوه‌هایی از اهمیت قرآن در سیره‌ی رفتاری ایشان است. از همین روی، نه تنها نخبگان و متفکران، بلکه آحاد جامعه‌ی اسلامی و مخصوصاً نیروهای انقلابی، باید حداکثر تلاش‌شان را برای نزدیک شدن به قرآن، و فهم معارف قرآنی و تطبیق رفتار خود با این تعالیم به کار گیرند. دو سه روزی بیشتر تا ماه بهار قرآن نمانده است، ماه رمضان فرصت خوبی است برای همنشینی و نزدیکی بیشتر به این چشمه‌ی لایزال خدایی. ●



خدایا به ما لیاقت و رود شایسته به مهمانی ات را بده!

خدایا! ما بندگان ضعیف هستیم، ما بندگان گانی هستیم که هیچ نداریم، ما

بده که در این مهمانی که از ما کردی به طور شایسته وارد بشویم. خدایا! این ایران که از همه اطراف به او هجوم شده است، برای اسلام، این ایران را تو تقویت کن. ● ۶۳/۳/۹۹

درس اخلاق

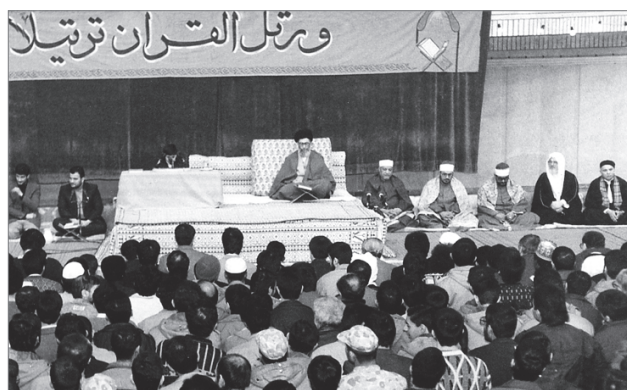
این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست

اگر کسی درآمدی کسب کرد، ولی حتی اتفاق مستحب نکرد، او پیش خدای متعال مؤاخذ است. ما نمی‌توانیم بگوییم که اتفاق واجیمان را کردیم، مالیاتمان را دادیم، خمس و زکاتمان را هم دادیم، از این پول نمی‌خواهیم خرج کنیم؛ در حالی که می‌دانیم در جامعه فقر و کمبود هست؛ نخیر، این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست؛ مرضی‌عندالله نیست؛ برای خاطر این که آن حساب‌های الزامی جداست؛ باب دیگر و جریان دیگری است. اتفاقات استجابی را هم برای ما قرار داده‌اند. مستحب است، یعنی آن حکم واجب را ندارد که من در هر موردی لزوماً این کار را بکنم؛ اما اگر کسی بالمرةً باب این مستحب را بر روی خودش ببندد، بلاشک خلاف اراده و خلاف اقتضای احکام الهی کار کرده است؛ ما باید این را به مردم تفهیم کنیم. باید کاری بشود که هر کس خودش را موظف بداند که اتفاق کند. ● ۷۰/۱۲/۱۴

مطالبه رهبری

از دعا و تضرع در تنهایی غفلت نکنید

در غیاب جلسات عمومی ماه رمضان - که این جلسات عمومی، جلسات دعا، جلسات سخنرانی، جلسات توسل، بسیار مغتنم بود و امسال علی‌القاعده محرومیم از این جلسات - از عبادت و تضرع و خشوع در تنهایی غفلت نشود؛ ما می‌توانیم در اتاق خودمان، در خلوت خودمان، در میان خانواده و فرزندان خودمان، همین معنا را، همین توجه راه، همین خشوع و خضوع را به وجود بیاوریم و البته در برنامه‌های تلویزیونی مواردی هم پخش می‌شود که از آن هم می‌شود استفاده کرد و بایستی این کارها را انجام بدهیم. ● ۹۹/۱/۲۱



محل انس باقران در محضر رهبر انقلاب با حضور قاریان معروف مصری، محمود شحات محمدانور، ابوالعینین شعبیش و متولی عبدالعال، بهمن ۱۳۷۰

جلسات قرآنی خانگی را ترویج کنید

یکی از کارهایی که خیلی مهم است، عبارت است از اینکه ما دوره‌های قرآن را، جلسات قرآن را زیاد کنیم... یکی همین دوره‌های خانگی قرآن بود، یکی همین قرآن خواندن در مساجد یا در حسینیه‌ها بود... دو جور هم می‌شود جلسه قرآنی تشکیل داد: یکی همین که دور هم جمع بشوند و یک استادی بنشیند آنجا، بخوانند، قرآن افراد را تصحیح کند... یک جور هم این است که جمع بشوند، یک نفر برود روی منبر، بنا کند قرآن خواندن، و نیم ساعت، یک ساعت قرآن بخواند... شما هم بنشینید گوش کنید، قرآن را با او کنید، از روی قرآن نگاه کنید که این کار البته یواش یواش معمول شده. ● ۹۸/۲/۱۶

خانواده ایرانی

خانواده‌ها سعی کنند که اسراف نکنند

می‌خواهم این مطلب را ملت عزیزمان بدانند که اسراف، فعل حرام است؛ گناه است؛ خلاف شرع است؛ آنجایی که اسراف باشد و اسراف مال و اسراف نعمت‌های الهی انجام گیرد، تضييع و تلف کردن نعمت است. تصمیم بگیرید این کار را نکنید. البته خانواده‌های کم‌درآمد، شاید وسع‌شان هم نرسد که بخواهند اسراف کنند؛ اما خانواده‌های پردرآمد و حتی بسیاری از خانواده‌های متوسط، متأسفانه اسراف می‌کنند. من این جمله را عرض کردم، بر آن تأکید و پافشاری می‌کنم و خواهش‌مندم که ملت عزیزمان، این سخن را مورد توجه قرار دهند، به آن اهمیت دهند، برای آن حسابی باز کنند و سعی‌شان بر اسراف نکردن باشد. ● ۷۲/۱/۴

حزب‌الله این است

همسایه‌ها را فراموش نکنید

اگر هر کس از آحاد مردم همان‌چهل همسایه‌ای را که در شرع مقدس اسلام هست، رسیدگی کند، به نتیجه‌ی خوبی خواهیم رسید. البته حالا واقعاً لازم هم نیست که هر چهل خانه را برویم و رسیدگی کنیم؛ چون دایره‌ی وسیعی می‌شود؛ اما بالاخره یک همسایه، دو همسایه، سه همسایه را در نظر بگیریم و آنها را یا تأمین کنیم، یا کمک کنیم، یا راه بیندازیم و از دیگران مستغنی‌شان بکنیم. اگر این روح نیکوکاری و انفاق در مردم به وجود بیاید، خوب است... یک روز در کشور ما و سایر کشورهای اسلامی این روحیه همه‌گیر بوده است؛ یعنی هر کسی موظف بوده که پولی برای انفاق کنار بگذارد؛ یا رایج بوده که در ماه رمضان به نیازمندان افطاری بدهند؛ نباید بگذاریم این کارها کم بشود. ● ۷۰/۱۲/۱۴

اصول عدالت‌خواهی

رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی ارزشی ندارد

عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان که امروز در بسیاری از کشورها شما ملاحظه می‌کنید... ما که این را نمی‌خواهیم. مادر جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی‌خواهیم، ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن جایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و در عین حال جامعه به رفاه و به برخورداری لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. ● ۷۹/۲/۱۴

روایت پیشرفت

انقلابی که دینداری را گسترش داد

دست‌هایی - تبلیغات دروغین و گاهی احمقانه و گاهی خبیثانه - می‌خواهند این طور وانمود کنند که مردم در سابق، از حالا دین‌دارتر و با اخلاق‌تر بودند؛ این دروغ است... آن سابقی که ما یادمان است - پنجاه سال قبل، چهل سال قبل، سی سال قبل - انسان که در ماه رمضان به شهر تهران وارد می‌شد، اصلاً حال و هوای روزه در این شهر نبود؛ مردم راه می‌رفتند و راحت سیگار می‌کشیدند، غذا می‌خوردند، ساندویچ می‌خوردند؛ اصلاً کسی احساس نمی‌کرد که این‌جا روزه است! مشهد که شهری مذهبی بود - ما در مشهد بودیم - مردم راحت و علنی روزه می‌خوردند؛ کانه در بعضی از بخش‌های شهر، اصلاً ماه رمضان نیامده است!... امروز شما نگاه کنید! همه‌جا روزه‌دار است، همه‌جا در حال ذکر و در حال توجه است و بهترین روزه‌داران از میان جوانانند. ● ۷۶/۱۰/۱۲